

حضرت افنان آقا میرزا محمود علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

ای متشبهت بذیل اطهر فرع سدره مبارکه در جهان و جهانیان بدیده بینا نظر نما که تماشاگاه عظیم است افواج نفوس بینی که در میدان سود و زیان دوآند و امواج بحر جنون بینی که از کلّ جهات ظاهر و عیان نعره‌ها بلند و ضوضا و شورش و غوغا واصل بسمع هر هوشمند نزع و جدال بین هر توانگر و مستمند و جنگ بسیف و سنان و تیر و کمان بین هر حقیر و ارجمند افواج جنود از هر جهت صفّ حرب آراسته و آلات آتش‌فشان از هر سمت سمت ترتیب یافته سیوف بغضا از مسافه بعیده شعشعه لامع‌اش پدیدار و سهام شحنا حدّت و برق ساطعش در شب یلدا خیره‌بخش چشمها مقصد اینست که اسباب نزع و جدال و جنگ و کفاح باتمّ وجوه مهیّا و حاضر و از جهتی ملاحظه مینمائی که از هر کران آواز ساز و نواز است و نغمه چنگ و چغانه و ارغنون و ترانه و طرب و سرور و فرح و حبور است و از سمتی نظر کنی که نمایش آرایش و آرایش و زر و زیور اهل آفرینش و زینت و رونق زخارف و حطام و لطافت شئون فانیه خاک و رغام است و از طرفی مینگری فریاد آه و انین و ناله و حنین است فرع و جزع و شدت فغانست که واصل باسمانست و نحیب بکا و ضجیح مبتلا و صریخ بی‌نوا و عویل غریق بحر بلاست و از سمتی احتراق فراق و اشتعال نار اشتیاق و زبانه آتش اشواقست و از جهتی بنگری که جوش و خروش ملوک و وزرای بیهوش و دمدمه و معرکه افکار و اذکار سروران مدهوش و شوق و شور و تدبیر و تغییر و تدمیر و تعمیر و تشهیر و تشویر رؤسای ممالک و دیار است خلاصه چون بحقیقت و عاقبت و نتیجه و ثمر جمیع معرکه‌ها پی‌بری بعین یقین مشاهده کنی سراب بقیع است و شهادش سمّ نقیع ایّامی نگذرد مگر آنکه جمیع این شئون کأن لم یکن گردد و فانی و غیر موجود ولکن چون چشم از این جهان تاریک بپوشی و نظر ببالا و عالم اعلیٰ فکنی همه انوار بینی باقی و برقرار بینی جاوید و پایدار بینی حقیقت اسرار بینی پس خوشا جان پاکی که باین آلودگی و آسودگی جهان فانی دل نبسته بلکه پیاکی و آزادگی و بزرگواری جهان باقی تعلق گرفته و البهآ علیک ع ع